وقایع اتفاقیه

روزنامه سیاسی
اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی
صبح ایران

پنجشنبه ۷ دی ۱۳۹۶
۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹
۲۸ دسامبر ۲۰۱۷
سال سوم | دوره جدید
شماره ۵۱۱
۱۶ صفحه

هزارتوی خیال (۱)

دروغ زیبای داستان

کاوه فولادی‌نسب
نویسنده و مترجم

چند سال پیش، در دانشکده معماری، با یکی از دانشجوهایم درباره پایان‌نامه‌اش حرف می‌زدم. موضوع کارش طراحی اقامتگاهی برای مهاجران بود. درباره مسائل مختلفی حرف زدیم؛ از مباحث نظری و فنی معماری گرفته تا لزوم توجه واقع‌بینانه به مسائل اقتصادی و مالی در چنین پروژه‌هایی. یادم هست که اواخر گفت‌وگویمان، بهش گفتم «بیشتر از هر چیزی، لازمداری با زندگی مهاجرا آشنا شی؛ انگیزه‌ها، موانع، دلخوشیا، کمبودا و خلاصه، سبک زندگیشون. برای این بد نیست چندتایی داستان و رمان هم بخونی؛ داستانا و رمانایی که به امر مهاجرت و زندگی مهاجرا پرداختند و می‌تونی با خوندنشون به مسئله نزدیک‌تر شی». گفت «یعنی قصه بخونم استاد»؟ پوزخندی زد و ادامه داد: «چندتا کتاب علمی درست‌وحسابی به من معرفی کنین». بهتم زد. چند لحظه‌ای نتوانستم چیزی بگویم. از آن مواقعی بود که در کسری از ثانیه، هزار فکر و خیال از سرت می‌گذرد. گفتم «نفهمیدم چی گفتی». حرفش را تکرار کرد. نفهمیده بود چی گفته بودم. نیم‌ساعتی برایش روضه خواندم که رمان و داستان، خود زندگی است؛ تجربه‌ای ناب که به خاطر همه محدودیت‌های بشری نمی‌توانی در جهان و زندگی واقعی داشته باشی. این‌طوری نیست که فکر کنی داستان فقط برای سرگرمی است. سرگرمت هم می‌کند، این درست. اما در حقیقت تجربه زندگی‌های دیگر و وضعیت و موقعیت‌های دیگر است در متنی روایی که به رشد آگاهی و استدراکت از هستی منتهی می‌شود؛ بله، هرکه بامش بیش، برفش بیشتر، هرقدر معرفتت بیشتر باشد، می‌توانی درک و دریافت عمیق‌تری از متن داشته باشی. هفته بعد که آمد، پنج ۶ کتاب فارسی و انگلیسی درباره مهاجرت و دایاسپورا و موضوعات مرتبط با خودش آورده بود. آدم کتاب‌نخوانی نبود، همه را در همان یک هفته مطالعه کرده بود. گفتم «رمانا و داستانایی رو که گفتم، خوندی»؟ گفت «نه استاد، شرمنده. اینا به نظرم مفیدتر بودن». آدم دیکتاتورمآبی نبودم و نیستم که بگویم باید همین کاری را بکنی که من می‌گویم. کار، کار او بود و حق انتخاب هم با او... و البته، انتخابش من را عمیقا به فکر فرو برد. در این سال‌ها بارها و بارها این خاطره را مرور کرده‌ام. حتما یک جای کار می‌لنگد. چطور ممکن است فرهیختگان جامعه‌ای چنین نظر یا قضاوتی درباره رمان و داستان داشته باشند؟ لذت متن و کیفیت ادبی و خیال‌ورزی به کنار، آیا جز این است که یکی از بهترین راه‌ها و گذرگاه‌های اندیشیدن، رمان و داستان خواندن است؟ آیا جز این است که به قول جان آپدایک «داستان، دنیای ما را توسعه می‌دهد»؟ در «هزارتوی خیال» می‌خواهم همراه خوانندگانم داستانخوانی کنم تا یادآوری کرده باشم بزرگ‌ترین مفاهیم اندیشه‌ای و زیستی بشری در داستان‌ها روایت شده‌اند، تا یادآوری کرده باشم تاثیر یک داستان خوب از هزار مقاله و سخنرانی بیشتر است، تا یادآوری کرده باشم یک داستان‌نویس عمیق‌ترین اندیشه‌ها و امیدها و اضطراب‌های بشری را به زبانی هنرمندانه و غیرمستقیم با خواننده‌اش در میان می‌گذارد و تا یادآوری کرده باشم هنر نیاز روح بشر است؛ غذای روح و داستان، پرظرفیت‌ترین و انعطاف‌پذیرترین شکل هنری است، لازم است تا می‌توانیم فاصله‌مان را با آن کم و کمتر کنیم.

توییتر

#زلزله-تهران

زینب حسنی
@zeinab135h

دیشب قبل #زلزله_تهران خوابم برده و چون نفهمیدم، حس تولد دوباره دارم اگر زلزله شدتش زیاد بود الان به جای توییت زدن، باید حساب‌وکتاب اعمال پس‌می‌دادم. حقیقتا لحظه‌ها چو ابر بهاری درگذرند هر چقدر می‌تونیم باید #خوب_باشیم

گلامپ
@Galaxynote1387

زلزله نیست لامصب بلیت بخت‌آزماییه! شبای چارشنبه می‌آد #زلزله_تهران

javid
@javid_4

ولی‌ای کاش هنوز خونه هامون یه طبقه بودن و حیاط داشتن حداقل ترس آوار چند طبقه رو نداشتیم #زلزله_تهران

fatemekhanommm
@Fateme_11

نکنه به‌جای فصل زمستون اشتباهی رفتیم تو فصل لرزستون؟؟؟

وقایع کتاب

ریچارد سوم

نمایشنامه «ریچارد سوم» به نویسندگی ویلیام شکسپیر و ترجمه عبدالله کوثری با قیمت ۳۰ هزار تومان توسط نشر «نی» چاپ شد. نمایشنامه حاضر که در سال ۱۵۹۲ نوشته شده، از همان آغاز مورد توجه تماشاگران قرار گرفت. این نمایشنامه در کنار «هملت» و «رومئو و ژولیت» در زمره محبوب‌ترین آثار شکسپیر قرار گرفته است. نمایشنامه «ریچارد سوم» داستان برآمدن و فروافتادن شاهی منفور را بازمی‌گوید.

بر فراز شاهین‌ها

سرنوشتی سخت در انتظار رییس جمهور آمریکاست

«سرگذشت ندیمه» آینه‌ای در برابر ترامپ

سیدحسین رسولی
دبیر صفحه آخر

رمان «سرگذشت ندیمه» (۱۹۸۵) به نویسندگی مارگارت اتوود کانادایی در ژانر «ضدآرمان‌شهری» ۳۲ سال پیش منتشر شد. این رمان در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶ تبدیل به سریال تلویزیونی پر بیننده‌ای شد که از شبکه تلویزیونی «هولو» روی آنتن رفت. در ایران نیز سهیل سمی، این رمان را ترجمه و منتشر کرده و مورد توجه رمان‌دوستان پروپا قرص نیز قرار گرفته است.

داستان رمان، جهانی فروپاشیده را به تصویر می‌کشد که در آن بسیاری از زنان دیگر قادر به فرزندآوری نیستند. بنابراین گروهی حکومت را در دست می‌گیرند و زنانی که می‌توانند فرزند بیاورند را می‌دزدند. آنها را برده و تبدیل به ندیمه می‌کنند و از ندیمه‌ها درخواست فرزندآوری دارند؛ آن هم به زور. متیو دی آنکونا در «گاردین» پخش این مجموعه را چیزی مانند آینه‌ای در برابر رفتار دونالد ترامپ، چهل‌وپنجمین رییس‌جمهور آمریکا می‌داند و می‌نویسد: «در سال ۲۰۱۷ شاید سیاست و فرهنگ در برابر هم باشند. ولی سوال این است که دونالد ترامپ در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد بحث‌های خصوصی، گفت‌وگوهای عمومی، جد و جهدهای هنری، درنهایت به سوی ناکامی پیش رفته‌اند. اما حضور فربه ترامپ به نظر در همه جا هست». دی آکونا در ادامه می‌افزاید: «این موضوع به‌طور آشکار در طنز رخ‌نمایی نمی‌کند. مانند مجموعه «شنبه شب» که در بیشتر قسمت‌هایش دونالد ترامپ را به مضحکه کشید و آن را وارد زندگی فرهنگی مردم کرد. یا، لی هال، کارگردان تئاتر نمایشی را با اشاره مستقیم به ترامپ در «شبکه تئاتر ملی» روی صحنه برد». دی آکونا درباره رمان «سرگذشت ندیمه» می‌نویسد: «رمان مارگارت اتوود متضاد افراط‌گرایی است و در اوج داستان، در سال ۲۱۹۵ تمام می‌شود. جایی که حکومت تمامیت‌خواه «گیلاد» رو به سقوط است. فصل دوم مجموعه تلویزیونی نیز در فصل بهار روی آنتن می‌رود و به شخصیت‌های داستان در ۳۰ سال بعد می‌پردازد». به نظر می‌رسد، نویسنده مذکور اعتقاد دارد که دونالد ترامپ در انتخابات پیش‌رو با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد شد.

نمایی از «سرگذشت ندیمه»

فرهنگ روزمره

بیرون‌جهیدن از تاریخ مذکر

ابراهیم پشت‌کوهی
کارگردان تئاتر

وظیفه من این است. علف‌ها سبز می‌شوند، پرنده‌ها پرواز می‌کنند، موج‌ها روی شن می‌کوبند و من هم حریفانم را له می‌کنم» (محمدعلی کلی).

تاریخ پر فراز و فرود جنبش‌های اجتماعی زنان ایران همیشه از خلأ بزرگی رنج برده است. زنان قهرمان (ورزشکار) که بتوانند به یک الگوی ملی تبدیل شوند و خواسته‌های بحق‌شان را پیگیری کنند، کسانی که محدودیت‌ها و کلیشه‌هایی چون مردسالار بودن جامعه، کمبود امکانات، نبودن بودجه برای ورزش قهرمانی و... را پشت سر بگذارند و به افق‌های تازه دست یابند. البته در تمام این موارد کم‌کاری‌های دولتی، برخی نگاه‌های بسته جامعه که نقد اساسی بر آن وارد است و جای آن در این یادداشت نیست، قابل ذکر است. آنچه مهم است، تصویری است که فیلم «صفر تا سکو» از سه خواهر ووشوکار سمیرمی نشان می‌دهد که قهرمان ایران و جهان هستند. نمی‌دانم چرا اما در تمام فیلم با دیدن خواهران منصوریان به یاد خواهران برونته می‌افتادم؛ البته خواهران برونته جوان‌مرگ می‌شوند. «امیلی» و «آن» در ۳۰ و ۲۹ سالگی در اثر سل می‌میرند و شارلوت نیز تنها ۳۸ سال زندگی می‌کند اما شباهت خواهران برونته و منصوریان در چیست؟ خواهران برونته تابوشکنان جامعه انگلیس قرن ۱۹ میلادی می‌شوند و به‌رغم جوان‌مرگی هنوز آثارشان مانند «بلندی‌های بادگیر» و... در تمام دنیا خوانندگان بسیاری دارد و از جمله رمان‌های کلاسیک محسوب می‌شود. در نگاه اول هیچ ارتباط منطقی بین خواهران ایرانی و خواهران انگلیسی وجود ندارد، برونته‌ها به حوزه ادبیات و اندیشه تعلق دارند و منصوریان‌ها به حوزه ورزش و مبارزه فیزیکی! اما در پس هر دو نام، یک اشتراک وجود دارد؛ «ساختارشکنی». هر دو فامیل توانسته‌اند با فراتررفتن از خویش، جهان پیرامون‌شان را به پیش و پس از خود تقسیم کنند. در هر دو جامعه (البته با اختلاف دو قرن) مردسالاری محدودیت‌های بسیاری برای زنان ایجاد کرده و آنها از این محدودیت‌ها عبور می‌کنند و جاودانه می‌شوند. با این تفاوت و البته قیاس مع‌الفارق که خواهران منصوریان عصرشان به سر نرسیده و اگر دچار جوان‌مرگی ورزشی نشوند، فرصت دارند تا علاوه بر الگوشدن برای دختران ایرانی به اسطوره‌های ورزش‌های رزمی زنان جهان تبدیل شوند. در جامعه غمگین زنان ایرانی که سردرگمی و بی‌هدفی منجر به افسردگی انبوه نسل نوخاسته می‌شود، خواهران منصوریان نشان می‌دهند جهان مدرن با وجود تمام عیب‌هایش، دریچه‌هایی برای تنفس دارد و اگر پرنده‌ای توان پریدن ندارد، ایراد از هوای آلوده نیست، بال‌هایش قوی نیست!

فیلم «صفر تا سکو» فیلمی جذاب، خوش‌ریتم، بی‌ادعا و پرمحتواست. «صفر تا سکو» تنها یک فیلم مستند نیست، بلکه شمایل درخشان دخترانی است که بی‌حضور مردان مذکر! برای مادرشان بلوک جابه‌جا می‌کنند و سیمان می‌برند و خانه می‌سازند. شکوه دخترانی است که از رنج، پلی برای پیروزی می‌سازند و فقر را به سکویی برای فتح قله‌های افتخار تبدیل می‌کنند. دخترانی که دیگر دختران انتظار نیستند، بلکه مردان منتظر درخشش آنها روی سکوها هستند، حتی اگر صدا و سیمای ایران هنوز مبارزه غرورآفرین‌شان را از مردمان‌شان دریغ می‌کند. سحر مصیبی به‌عنوان کارگردان فیلم با صبر و حوصله به سوژه‌هایش نزدیک شده، طوری که دوربین به شخصیت قابل اعتمادی تبدیل می‌شود که گریه‌های مادر و شوخی‌های شهربانو با شوهرش تبدیل به صمیمیتی زلال شده و این اثر را دلنشین‌تر کرده است. «صفر تا سکو» در ستایش دختران مبارز و مشت‌های ماندگارشان است. به قول منیژه حکمت، بعد از ۱۲۰ سال که از عمر سینمای ایران می‌گذرد، برای اولین‌بار تصویر زنان ورزشکار به‌عنوان قهرمان‌های اصلی، نه ستاره‌های پوشالی بر پرده می‌درخشد.

داده‌نما

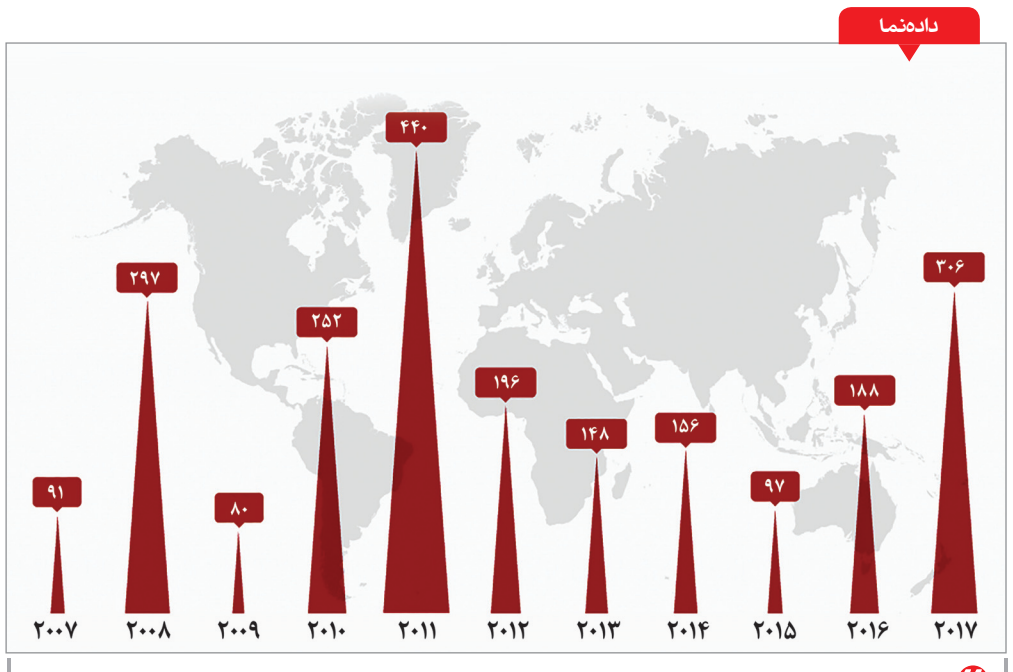

بلایای طبیعی باعث از بین رفتن ۳۰۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ شده است. (اعداد به میلیارد دلار)

منبع: Statista

تماشاخانه

جشنواره بالرنگ ۲۰۱۷

دختر دانش‌آموز در حال آماده‌شدن برای جشنواره «بالرنگ» است که در شهر «بوپال» هندوستان برگزار می‌شود.

عکاس: سانجیو گوپتا | منبع: EPA/EFE

شناسنامه

صاحب امتیاز: مصطفی خانزادی
مدیر مسئول: سیدمحمدصادق خرازی
مشاور مدیر مسئول: کاظم رهبر
سردبیر: سرگه بارسقیان
معاون سردبیر: سیدحمید متقی

ناشر: گروه سرمایه‌گذاری دومان
اعضای تحریریه:
سیاسی: مهشید ستوده (دبیر)
سیدمحمدرضا متقی، سعید شمس
محمد جمالی

اقتصاد: حسین گنجی (دبیر)
آویده علم جمیلی، روح‌الله رضایی مقدم
ادب و هنر: حافظ روحانی (دبیر)
شهرزاد رویایی
دیدگاه: محمد معماریان (دبیر)

جامعه: شاهرخ زبرست (دبیر)
سیاوش پورعلی، فرانک جواهری
صفحه‌آخر: سیدحسین رسولی (دبیر)
ایران: نسرین نیکنام (دبیر)
ورزش: مژده لاریجانی

نمایه: حامد کاظمی (دبیر)
عکس: رضا حسینی (دبیر)
مهدیه باقرزاده، مصطفی صفری
مدیر انفورماتیک: مهدی توسلیان
مترجم: کیمیا نصیری

دبیر اجرایی: فرهاد فتحی
اعضای فنی:
مدیر فنی - هنری: امین مریخی
صفحه‌آرایی: حامد صادقی، لیدا بانی
گل‌نوش مریخی، علی توکلی

ویراستاری: مهتاب محمدی، ملیکا شیخان، شاهین اسماعیل‌فر
ریحانه تهرانی
حروفچینی: سوسن خامنه

نشانی: خیابان نلسون ماندلا (جردن)
کوچه تور، پلاک ۵۲ تلفن: ۲۲۰۵۶۷۵۰
چاپ: سرزمین هنر سبز
توزیع: نشرگستر